

در عالم عزیز ، در حق تعالی را سه چهار روز است نوشتن
 و حضرت زینب آن کم . دین در وقت بقیع شوی که آزار
 که نام روز عاصی محمد اوف فرستاده بود برای من فرستاد . بنا و عهد مردم
 که از روز و کلام شروع بخوانند آن کم در روز ۲۵- آن را با بی نظری
 خودم برای شما بفرستم . شعر (مثنوی روی) در هوای دلگشا خوانده شد
 برایتان فرستادم . در خصوص تاثیر آثار موسیقی در ایران و اینکه از
 کی شروع آثار در آنجا شروع شد . چیزی لایق گفتن نمیدانم .
 - این کار مشغول شده ام . لیکن میدانم که در فرهنگ عامی و پیام خود
 ساهی جنگ بزرگ وطنی ، در این باره مقاله ای مفصل
 نوشته شده است . اگر وقت که این را لازم دارد به "موسیقی" یا
 مراد صحبت کند می تواند آن شماره ای را بیاورد . رایافت ستاره کند
 از بانوی و بچه که شما ساهی گویم !
 آرزو مند بفرست بزرگ آرد در همه احوال
 و از تکالیفی سخن نماند

در عالم عزیز - حضرت وحید علاءه بدین خبری که راجع به "جعفر
 شامی نوشته بودم دو سه سطر بنویسم :
 اما تا در شروع شعر و آوازی جعفر را تصویر میکنید که در پیش
 باغ بزرگی داشت و شما اندامم را می پرسید آیا همه باغ مال شماست ؟
 و او جواب میدهد که آری همه کالغوزها همین طور یا خردا دارند بعد
 باغ را شرح میدهد پس از اینکه سیاه تمام میشود باز هم می پرسید که پس
 چه میوه در کالغوز میباشد ؟ آخر انبار گفت کالغوز به او داده است . در این
 صورت خوب بود می پرسیدید ^{علاوه بر این} دیگر چه چیز کالغوز به شما میدهد . اگر نه
 اینطور میشود ~~که~~ همه اینها که از دست به جعفر رسیده است است
 کالغوز چه چیز به او میدهد . خواننده خوبی اینرا میدانند و حتی لازم
 ما برای آن اینرا بنویسم . خواننده ما قاری نویان خلق ایران میباشد .
 برای او باید روشن نوشت که اینها همه را جعفری که تا انقلاب
 میتوانی حقوق بود از کالغوز گرفته است و ~~که~~
 همه این کارها نوشته ایم فقط این - اوقات "پس" که
 همه آل کالغوز این دقیقه گفتن آینه میماند به بنده ^{جعفر}
 بی موقع رسد . باز هم فکر کنید اگر دوست نفرستاده ام